

ضرب و شتم کارمند بانک

تعدادی ناشناس با مراجعه به بانک و ایجاد درگیری کارمند بانک را مورد ضرب و شتم قرار دادند.

به گزارش سایت خبری پرسون، یک کارمند بانک به نام مصطفی علوی در شهر شفت (استان گیلان) شنبه هفته پیش هنگامی که ساعت کاری‌اش به اتمام رسیده بود و در حال حرکت به سمت ماشینش بود، توسط دو، سه نفر مورد ضرب و شتم قرار گرفت.

ابراهیم چراغی، فرماندار شهرستان شفت در خصوص جزئیات این خبر می‌گوید: «چهار روز پیش، روز پنجشنبه در همین راستا نشستی با حضور شعبانی فرمانده نیروی انتظامی برگزار شد.

بنده اعلام کردم به شدت از برخی متولیان امنیت شهر انتقاد دارم. با وجودی که در دوربین‌های موجود در بانک این ضرب و شتم ثبت و ضبط شده است اما دستگاه انتظامی می‌گوید که چون نیروهای مربوط به ما بر سر صحنه نبودند ما نمی‌توانیم اقدام به دستگیری این عاملان ضرب و جرح کنیم.

فرمانده نیروی انتظامی بیشتر از اینکه به این حادثه که موجب رعب و وحشت کارمندان دیگر بانک نیز شده است، بپردازد، نگران انتشار این فیلم است.

کارمندان دیگر بانک سپه از روز حادثه بسیار می‌ترسند. این عاملان همان‌طور که در فیلم‌های ضبط‌شده توسط دوربین‌های بانک گرفته شده، دیدند او به بانک پناه می‌برد اما آنها همچنان به دنبال او داخل بانک می‌شوند و در داخل بانک این کارمند را مورد ضرب و جرح قرار می‌دهند. با وجود تمامی این اتفاقات شعبانی، فرمانده نیروی انتظامی شهرستان شفت معتقد است که تا دستور مستقیم دادستان نباشد اقدامی علیه این عاملان حادثه نخواهند کرد.

بنده خودم با دادستان صحبت کردم و از او خواستار پیگیری این حادثه شده‌ام. حتی اگر اختلافی از قبل مابین اینها بوده باشد، این عمل به لحاظ قانونی قابل تامل است.»

به گفته فرماندار شهرستان شفت میان مصطفی علوی و آقای «م» اختلاف مالی وجود داشته است. این در حالی است که مصطفی علوی ادعا می‌کند هیچ اختلافی از قبل بین شان نبوده و عاملان این ضرب و جرح را نمی‌شناسد.

روز حادثه چه گذشت؟

مصطفی علوی، شغل دومش پیمانکاری دام و طیور است. دو فرزند پسر دارد. ۲۱ سال است که کارمند بانک است و ۲۲ سال در کار خرید و فروش دام و طیور در گیلان. صبح‌ها تا بعدازظهر در بانک سپه مشغول به کار است تا اینکه در روز ۲۰ آذر دچار ضرب و جرحی شدید از سوی افراد ناشناس می‌شود.

او در شرح روز واقعه چنین می‌گوید: «کارمند بانک سپه شغتم. راس ساعت دو و ۳۵ دقیقه روز شنبه تا خواستم از بانک خارج شوم، آدمم از در بانک بیرون از خیابان رد بشوم چون آن طرف خیابان ماشینم را پارک کرده بودم، دیدم سه درب یک پژو پرشیا سفید رنگ با شیشه‌های دودی باز شد و سه نفر از ماشین پیاده شدند. دنبالم دویدند و من هم فرار کردم به سمت بانک. داخل بانک رفتم؛ پشت سرم آمدند و شروع کردند مرا کتک زدن.

یک کارمند دیگر هم نشسته بود اما شوکه شده بود و نمی‌توانست جلو بیاید. فیلم‌های ضبط‌شده توسط دوربین‌های داخل بانک موجود است. این را برای‌تان بگویم؛ یک نفر به عنوان آقای «م» اینها را اجیر کرده بود که مرا کتک بزنند.

من شغل دومم پیمانکار گوشت استان گیلان است. پخش گوشت دارم به اصفهان و شیراز و اراک و... خریدم نقدی است و فروشم نسیه. این آدم-منظورم همین آقای «م» است- همیشه برایم دردسر ایجاد می‌کرد. هر بار از هر طریقی می‌خواهد مزاحم کارم شود. خودش قصاب است و کار گوشت و طیور انجام می‌دهد. خدا می‌داند که حتی یک بار هم من به او فحش ندادم. این آدم نه که فقط برای من بلکه برای ۱۰ نفر دیگر هم مزاحمت ایجاد کرده. اصلا یک آدم یاغی هست. هر کاری دلش بخواهد انجام می‌دهد.

هر کسی را که دلش بخواهد، می‌زند. مال مردم را می‌خورد اصلا حالی‌اش هم نیست. به هر حال بگذریم، آمدند داخل بانک و مرا زدند. فیلم و مستندانش همه وجود دارد. یکی از همکارانم در بانک بود اما او هم غافلگیر شده بود و نمی‌توانست کاری کند. چاقو و پنجه بوکس داشتند. کسی نمی‌توانست با آنها درگیر شود.»

آیا حکم جلب صادر شده است؟

علوی با ناراحتی آهی می‌کشد و صحبت‌هایش را ادامه می‌دهد: «بیمارستان قائم بستری بودم. بینی‌ام شکسته. استخوان کتفم آسیب دیده. شنوایی

گوش سمت راستم دچار مشکل شده.»

او ادعا می‌کند: «نه دهیار و نه قاضی برای دستگیری اینها کاری انجام نداده‌اند. حتی آنها به من پیغام هم می‌دهند که قاضی، دهیار هیچ کاری نمی‌تواند انجام بدهد. دنبال یک وکیل می‌گردم قرآن را برایم قسم بخورد که صادقانه کارم را دنبال کند تا بتوانم پرونده‌ام را پیگیری می‌کنم.»

با سوال در مورد اینکه شما و آقای «م» مشکل قبلی داشتید، پاسخ می‌دهد و هر کلمه را برای تاکید بر تایید جوابش سه بار تکرار می‌کند: «هیچ. هیچ. هیچ. هیچ. اصلا. اصلا. اصلا. این آقا فقط مشکلمش این هست که چون کسی به او گوشت نمی‌دهد این کارها را می‌کند.»

او می‌خواست بداند دامهایی که از شهرهای مختلف برایم می‌آید از کجا و چگونه این دامها را وارد گیلان می‌کنم. آن قدر اصفهانی‌ها و شیرازی‌های بدبخت را که با زن و بچه به گیلان آمده بودند برای حساب و کتاب و کتاب زد که آنها بدون گرفتن حقشان به شهرشان برگشتند.

پولشان را مثل آب خوردن خورد. من اول در انزلی مشغول به کار بودم و الان حدود ۱۰ سال است که در گیلان کار گوشت را انجام می‌دهم. همان روز به دو نفر از بوکس‌کاران ۵۰ میلیون تومان داده بود تا مرا بزنند.»

علوی و چند نفر از اهالی شهرستان شفت که تمایلی برای انتشار اسامی‌شان ندارند ادعا می‌کنند: «آقای «م» به دلیل داشتن ارتباط با یکی از مسوولان توانسته پرونده را متوقف کند و سبب شده است این پرونده هیچ حرکتی نکند.»

با پیگیری‌های مجدد در ساعت ۲ بعدازظهر روز شنبه ۲۷ آذرماه مشخص شد حکم جلب آقای «م» به دلیل پافشاری‌ها و پیگیری‌های فرماندار شهرستان شفت صادر شده است.»

منبع: رکنا